**سردار سلیمانی نماد قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران**

Sardar Soleimani is the symbol of the intelligent power of the Islamic Republic of Iran

**تاج الدین صالحیان دکتری تخصصی روابط بین الملل**

**چکیده**

منطقه غرب آسیا و خاورمیانه به دلایل مختلف در آنارشیک ترین وضعیت ممکن به سر می برد، بطوری که تامین امنیت و حفظ بقا مهمترین هدف و اولویت اصلی برای کلیه کشورهای این منطقه به شمار می رود. این موضوع برای ج.ا.ایران، به عنوان یک قدرت منطقه ای که به طور طبیعی با رقبای منطقه ای در حال رقابت می باشد، به علت تقابل ماهوی و بنیادی با نظم مستقر بین المللی و در راس آن آمریکا، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. به همین خاطر چگونگی استفاده ج.ا.ایران از کلیه پتانسیل های مادی و غیرمادی تاثیر تعیین کننده ای در موفقیت راهبرد کلان این کشور در برابر کلیه رقبای منطقه ای و فرامنطقه ای دارد. در این مقاله، تلاش شده است به نقش شهید سپهبد "حاج قاسم سلیمانی" و بیش از دو دهه فرماندهی ایشان بر نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بهره گیری بهینه از پتانسیل های مادی و غیرمادی ایران پرداخته شود، که مشخص گردید شهید سلیمانی با تدبیر، شجاعت و درایت، ضمن ترکیب خارق العاده قدرت نرم و قدرت سخت و تولید "قدرت هوشمند" ج.ا.ایران، نقش بی بدیلی در به شکست کشاندن کلیه طراحی های جبهه غربی، عبری و عربی به سرکردگی آمریکا در منطقه و در نهایت موفقیت محور مقاومت به رهبری ج.ا.ایران ایفا نمودند.

**واژگان کلیدی:** ج.ا.ایران، قدرت هوشمند، موازنه سخت، ایالات متحده

**1- مدخل بحث**

به باور اغلب اندیشمندان حوزه روابط و سیاست بین الملل، غرب آسیا و کل منطقه موسوم به خاورمیانه، بیشترین ویژگی های دوره مدرن را داراست. به واسطه ویژگی دولت ها در عصر مدرن، که حاصل پایان جنگ های مذهبی در اروپا قراردادهای مشهور وستفالی بود، حاکمیت سرزمینی و استقلال سیاسی در چهارچوب نقشه های سیاسی و جغرافیایی جدید تثبیت شد و زمینه برای تقویت نظام دولت محور مهیا گشت. قدرت نمایی دولت های سرزمینی، دولت های دارای حاکمیت و تکوین دولت ملی پیامد اصلی رخدادها و روند های سیاست این دوره است که ریشه در تحولات اروپای غربی داشت که دولت مداری با معیارهای جدید و متفاوت از نظام های سیاسی پیشامدرن(دولت/ شهر و امپراتوری) بنیانگذاری شد.

مهمترین ویژگی های دولت در عصر مدرن عبارت است از؛ قلمرو جغرافیایی یا اصل سرزمین محوری، ملت با هویت مشترک برخورداری از حکومت و به تبع آن انحصار در کاربرد قدرت مشروع، حق حاکمیت برابر برای کلیه دولت ها و نهایتا هویت ملی به عنوان عامل پیوند بین ملت و دولت و در واقع مهمترین عامل نهادینه شدن الگوی دولت- ملت.

در دوران مدرن، تعاملات بین المللی، سرشت دولت محور یافته و دولت- ملتها به کنشگران و تصمیم گیرندگان اصلی نظام بین الملل بدل گشته و دولت مدرن به یگانه الگوی سامان سیاسی تبدیل گردید. اما این الگو در نیمه دوم سده بیستم در بخش های وسیعی از کره خاکی با تحول معنایی روبرو شد. به گونه ای که همزمان با تحولات این الگوی حکومتی در اروپا غربی، اما، در سایر کشورهای جهان، هویت ملی به عنوان اساس استقلال خواهی و شکل دهی به دولت های ملی تبدیل شد. بنابراین روند تحولات بین المللی در اقصی نقاط جهان بصورت همسانی شکل نگرفت، بلکه در حالیکه جهانی شدن و وابستگی متقابل و ظهور کنشگران غیر دولتی در نیمه دوم و بخصوص سال های پایان قرن بیستم در اروپای غربی و آمریکای شمالی حاکم گردید و دنیای جدید پسامدرن مستقر شد، اما در برخی نقاط همانند آسیای غربی و منطقه ای که اصطلاحا خاورمیانه اطلاق می شود، شاهد دولت محوری و اولویت بی چون و چرای مسائل امنیتی بوده ایم. در چنین شرایطی "قدرت" و "قدرت محوری" برای دولت ها، همچنان مهمترین هدف برای کشورهای این منطقه به شمار می رود.

به عبارت دیگر، در نظم برآمده از قراردادهای وستفالی نظام بین الملل فاقد حکومت مرکزی با انحصار قدرت است و دولت ها در حالت ناامنی به سر می برند. همان گونه که واقع گرایان نیز بیان می کنند، ساختار نظام بین الملل از این منظر، ساختاری اقتدارگریز دارد، زیرا هیچ قدرت و یا اقتدار فراتر از دولت ها وجود ندارد که به تنظیم تعاملات و مناسبات بپردازد. از این رو در فقدان یک حکومت مرکزی فائقه، همه دولت ها از حاکمیت مطلق برخوردار بوده و هر کدام بر اساس منافع ملی خود و با تشخیص خود رفتار می کنند. بر مبنای این وضعیت، دولت ها کنشگرانی واحد، یکپارچه و عقلانی هستند که در پی تامین منافع ملی خود گام بر می دارند و در این رهگذر به همکاری بلندمدت و ائتلاف ها اعتماد چندانی نشان نمی دهند.(ر.ک، به؛ ظریف و همکاران، 1395: 96-94 ).

در چنین شرایطی "قدرت" و توانایی و شیوه بهره برداری از آن برای کشور ها نقش بسزایی در حفظ تمامیت ارضی و استقلال و حتی تداوم دولت ها دارد. ایران نیز به عنوان یک کشور مهم منطقه ای در غرب آسیا با چنین ویژگی هایی که ذکر آن رفت، بطور طبیعی دارای رقبای منطقه ای و فرا منطقه ای است، بویژه اگر مطابق خواست قدرت ها حرکت نکند و با آن ها تضاد منافع منافع داشته باشد، کوچک ترین اشتباه در تصمیم گیری می تواند عواقب غیرقابل جبرانی را برای این کشور به دنبال داشته باشد.

بر همین اساس در این مقاله تلاش می شود ضمن تشریح اوضاع در غرب آسیا و خاورمیانه در سالهایی که شهید حاج قاسم سلیمانی در قامت فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران نقش ممتاز و بی بدیلی در تنظیم رفتار جمهوری اسلامی در سطح منطقه داشتند، به چگونگی نقش ایشان در ارتقای جایگاه منطقه ایران در این سالها پرداخته شود.

**2- قدرت و نقش آن**

آنگونه که رابرت دال می گوید؛ قدرت در مفهوم کلاسیک آن به معنای تاثیرگذاری بر رفتار دیگران است.(وحیدی، 1390: 209).

شاید بتوان گفت "قدرت" کانونی ترین مفهوم در روابط بین الملل به شمار می رود، چیزی به سان انرژی در فیزیک و هوا برای تنفس. جوزف نای قدرت را؛ "توانایی تاثیرگذاری و اعمال نفوذ بر دیگران جهت دستیابی به نتایج مورد نظر و دلخواه" تعریف می کند. (نای 1393: 21). قدرت ملی نیز به معنای توانایی یک کشور در کنترل یا دست کم اعمال نفوذ بر سایر کشور ها یا نتایج حوادث بین الملل می باشد. بر این اساس قدرت ملی دو وجه داخلی و خارجی دارد. وجه داخلی قدرت ملی به معنای توانایی یک کشور برای کنش و اقدام است. در وجه خارجی نیز قدرت به معنای توانایی کنترل یا دست کم تاثیرگذاری بر رفتار سایر بازیگران و نتایج بین المللی است.(دهقانی فیروز آبادی، 1394: 161).

**2-1. انواع قدرت**

بر اساس رهیافت های متفاوت و مفهوم بندی های متعدد از قدرت، انواع و اشکال مختلفی از آن قابل تشخیص و تبیین است. اما در یک تقسیم بندی کلی قدرت به دو نوع سخت و نرم تقسیم می شود. (دهقانی فیروز آبادی، 1394 : 186).

**2-1-1. قدرت سخت (Hard power)**

قدرت سخت به صورت توانایی دستیابی به نتایج دلخواه و مطلوب از راه اجبار و پاداش تعریف می شود، به گونه ای که قدرت مالکیت منابع و توانایی های مادی و ملموس نظامی و اقتصادی که می تواند بر نتایج تاثیر بگذارد را شامل می شود. سرزمین وسیع، منابع طبیعی فراوان، توانایی و توسعه اقتصادی و فناورانه، نیروی نظامی قدرتمند و توان اجتماعی نسبتا زیاد و گسترده از جمله انواع قدرت سخت به شمار می رود.(دهقانی فیروزآبادی، 1394: 186). قدرت نظامی با سنت واقع گرایی پیوندی تاریخی و عمیق دارد. اهمیت قدرت در بین واقع گرایان از سرشت اقتدار گریز، منازعه آمیز و رقابت محور سیاست بین الملل اثر پذیرفته است. از نظر واقع گرایان، در محیط اقتدار گریز که بقاء و امنیت و حاکمیت اهداف و منافع بنیادی و تغییر ناپذیر کشورها را تشکیل می دهد، تنها قدرت نظامی می تواند ضامن تامین این منافع باشد. ( 33 : 2005 و Schmide).

**2-1-2. قدرت نرم (soft power)**

قدرت نرم در مقابل قدرت سخت معنا پیدا می کند. این نوع قدرت بعضی اوقات با انواع و اشکال دیگری چون "قدرت مدنی" ، "قدرت هنجاری " ، "قدرت اقناعی" و قدرت انگاره ای" نیز مترادف شمرده می شود. وجه مشترک همه انواع قدرت تاکید بر تاثیر و نقش عوامل و عناصر غیر مادی قدرت در عرصه بین المللی است.(دهقانی فیروز آبادی، 1394: 188).

به نظر جوزف نای قدرت نرم؛ "توانایی تاثیرگذاری بر دیگران از طریق ابزارهای هم دست کننده و همکاری جویانه تنظیم دستور کارها ، تشویق و اقناع و جاذبه و جذب به منظور دستیابی به نتایج مطلوب است". (21-20 : 2011، Nye).

جذب دیگران بدون استفاده از منابع ملموس مادی، می تواند از طریق ارزش ها، هنجارها، انگاره ها، ایدئولوژی، صورت پذیرد، بنابراین قدرت نرم یعنی قدرت جذاب و شیفته سازی که فرهنگ و ایدئولوژی دو جلوه مهم از آن هستند. (قنبرلو، 1390 : 116).

براین اساس، برخلاف قدرت سخت که ملموس هستند، منابع قدرت نرم ناملموس و غیرمادی هستند.

جوزف نای بعنوان بزرگترین تولیدکننده ادبیات قدرت نرم، بر این باور است که قدرت نرم، قدرت جذب کننده است. به لحاظ منابع نیز، منابع قدرت نرم، دارائی هایی هستند که چنین جذابیتی را تولید می کنند.(نای، 1392 : 43).

در واقع قدرت نرم یعنی قدرت جذاب و شیفته سازی و این به معنای مشروع جلوه دادن قدرت است که با مقاومت همراه نیست. فرهنگ و ایدئولوژی و نهاد های منشعب جذاب که باعث همراهی دیگران می شود از منابع اساسی قدرت نرم محسوب می شوند.(قنبرلو، 1390: 116).

بنابراین، منابع قدرت نرم، دارائی ها و قابلیت هایی است که جذابیت و جاذبه را تولید می کند. پس اگر کشوری تحت تاثیر نیروی جاذبه آشکار، ولی ناملموس قرار گیرد معلوم می شود که قدرت نرم اعمال شده است. قدرت جذب و نیروی جاذبه به معنای اقناع دیگران به خواستن و انتخاب کنش و رفتار مطلوب، طرح و تدوین موضوعات و تنظیم دستورکار است، این قدرت اقناع کننده از اعتبار، شهرت و مشروعیت سرچشمه می گیرد. (دهقانی فیروز آبادی، 1394 : 189).

در مجموع خصوصیات و منش ملی، فرهنگ سیاسی و فرهنگ راهبردی، میهن پرستی و روحیه ملی، سرمایه اجتماعی، ایدئولوژی، شخصیت رهبران ملی، دیپلماسی و چانه زنی از مهمترین منابع قدرت نرم به حساب می آیند. (ر.ک. به؛ دهقانی فیروزآبادی، 1394: 216- 202).

**2-1-3 قدرت هوشمند(Smart Power)**

اگرچه قدرت نرم و قدرت سخت دو گونه متفاوت و متمایز هستند و دارای منابع متفاوتی نیز می باشند، اما بین آنها ارتباط و تعامل وجود دارد. چون هر دو وجه و بعدی از توانایی دست یافتن به اهداف و نتایج مطلوب از طریق تاثیرگذاری بر رفتار و کنش دیگران می باشند. به طوری که در بسیاری مواقع، قدرت نرم و قدرت سخت می توانند یکدیگر را تقویت و تکمیل نمایند.

ظرفیت و توانایی برای ترکیب عناصر سخت و نرم که یکدیگر را تقویت کنند، "قدرت هوشمند" گفته می شود. به عبارت دیگر تلفیق موفقیت آمیز قدرت سخت (اجبار) و قدرت نرم(پاداش دهی) قدرت هوشمند است.(نای، 1390 : 33).

بسیاری از اندیشمندان حوزه سیاست بین الملل در ایالات متحده معتقدند، ترکیب قدرت سخت و قدرت نرم و چگونگی ترکیب این دو که همان قدرت هوشمند است، سبب تقویت قدرت آمریکا در مجموع، طی سالهای دهه 90 میلادی و سالهای آغازین هزاره سوم بوده است، حال اگر هر کشوری بتواند به خوبی از ترکیب قدرت نرم و سخت بهره ببرد و در واقع قدرت هوشمند خود را به نمایش بگذارد، می تواند از سیاست خارجی موفقی برخوردار باشد.

**3- ظرفیت های قدرت سخت و نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه**

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که با توجه به مجموعه ویژگی هایی که دارد در زمره کشورهای منطقه ای قرار می گیرد که پتانسیل هژمون شدن در سطح منطقه و تبدیل شدن به قدرت متوسط جهانی و حتی بالاتر را نیز دارا می باشد.

مارتین بک معتقد است کشورها در صورتی می توانند در زمره قدرتهای منطقه ای قرار گیرند که قابلیت ها و توانایی هایی خاصی را داشته باشند. این توانایی ها و قابلیت ها می تواند نظامی، اقتصادی، جمعیتی، سیاسی و ایدئولوژیک باشد.(5-3 : 2016 Beek,).

گلدنهیوز هم معتقد است شاخصه هایی جهت تبدیل شدن یک کشور به قدرت منطقه ای لازم است تا آن کشور بتواند مدعی قدرت منطقه ای باشد. برتری مادی- عمدتا اقتصادی- برتری جمعیتی و نظامی که یک کشور را به یک قدرت در منطقه تبدیل می کند. حلقه اتصال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با دیگر کشورها در منطقه به شمار آمدن و در نهایت دارای قدرت فکری و عقیدتی بودن از جمله این شاخصه ها محسوب می شود.(2: 2008 Geldenhuys,).

جمهوری اسلامی ایران با توجه به توان و پتانسیل فراوان از جمله ویژگی های تاریخی و تمدنی، جمعیت، سرزمین وسیع، اقتصاد و موقعیت خاص ژئوپلتیک ، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک از جمله کشورهایی است که در غرب آسیا و خاورمیانه بطور طبیعی یک قدرت منطقه ای به حساب می آید.(جانسیز و صالحیان، 1395: 139).

به طور کلی مهمترین ظرفیت های قدرت جمهوری اسلامی در ایران را می توان به شرح زیر بیان کرد:

**3-1. منابع مادی یا منابع قدرت سخت**

همان گونه که پیشتر نیز بیان گردید جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که به علت ویژگی های خاص جغرافیایی، جمعیتی و کلیه منابع مادی و غیرمادی، از جایگاه ممتازی برخوردار است. بلحاظ قدرت مادی(سخت) جمعیت نسبتا بالا، وضعیت حساس جغرافیایی، منابع طبیعی، سطح توسعه اقتصادی- تکنولوژیک و توان نظامی بالای بومی، ایران را به صورت یک قدرت منطقه ای تاثیرگذار تبدیل کرده است. موقعیت راهبردی دریایی، زمینی و تنگه بسیار ممتاز هرمز و قرار گرفتن در منطقه حساس و ژئواکونومیک، ایران را در زمره کشورهای مهم منطقه قرار داده است. بطوریکه در مجموع می توان گفت ایران به طور طبیعی جزو کشورهای دارای پتانسیل مادی بالا در جهت تبدیل شدن به یک قدرت در سطح منطقه و حتی جهان بدل نموده است(ر.ک. به : جانسیز و صالحیان ،1395: 153- 150).

**3-2. منابع غیرمادی یا قدرت نرم**

منابع غیرمادی قدرت جمهوری اسلامی ایران نیز از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به خوبی توانست به صورت قدرت نرم، خود را در منطقه جا بیندازد.

گفتمان انقلاب اسلامی که توانست بسیاری از مردم و جنبش های آزاد طلبانه را تحت تاثیر قرار دهد به علت تاثیر بر اخلاق، از توان جذب کننده بالایی برخوردار بود.(115: 2005 Sharp)

به طور کلی می توان گفت قدرت نرم یا منابع غیرمادی جمهوری اسلامی ایران شامل تاریخ و تمدن چند هزار رساله ایرانی و هم به لحاظ ایدئولوژی و اعتقادات دینی و مذهبی برخوردار است. در این خصوص می توان به مهم ترین مولفه های تاریخ و تمدن ایرانی و هم به لحاظ ایدئولوژی و اعتقادات دینی و مذهبی برخوردار هستند که در ذیل مختصرا به آنها اشاره می شود.

**3-2-1 . تمدن ایرانی**

ایران یکی از کشورهایی است که دارای تمدن چند هزارساله بوده و از پشتوانه مناسب هویتی چه در داخل و چه در خارج یعنی در سطح منطقه و حوزه تمدن ایرانی برخوردار است. در این خصوص می توان به مهمترین مولفه های تاریخ و تمدن ایران یعنی زبان و ادبیات فارسی و مهمترین آیین کهن ایرانی یعنی نوروز اشاره کرد.

**3-2-2 . اسلام شیعی**

مهمترین مولفه دیگری که بصورت بالقوه از عوامل مهم در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه محسوب می شود، ارزش های اسلامی بخصوص ارزش های اسلامی شیعی است. با پذیرش اسلام توسط ایرانیان و تلفیق عناصر سازنده و مثبت فرهنگ ملی با آن، فرهنگ و هویت تازه ای به نام فرهنگ ایرانی – اسلامی ایجاد گردید که همواره از عناصر اصلی قدرت ایران در سطح منطقه به شمار آمده است. در واقع مولفه تشیع و ارتباط با گستره وسیع شیعیان در منطقه و جهان از جمله توانمندی های ایران در عرصه قدرت نرم است که میزان نفوذ ایران در کشورهای شیعه نشین را به وضوح نشان می دهد.(جانسیز و صالحیان، 1395: 155).

**3-2-3 . رفتار سیاسی و پرستیژ**

سیاست های اتخاذ شده توسط یک دولت می توان یکی از عوامل موثر قدرت نرم آن دولت باشد. ایجاد جذابیت و نشان دادن چهره ای توانا و با ثبات از یک کشور در داخل و تقویت این باور در میان مردم یک کشور، مستقیما در ایجاد وجهه بین المللی و ایجاد جذابیت برای مخاطبان خارجی تاثیر بسزایی دارد. (داداندیش و احدی، 1390 : 156-155).

رفتار یکسان و مستمر جمهوری اسلامی ایران در دفاع و حمایت از نهضت های آزادی بخش، مسلمانان جهان، مبارزه با استکبار و تسلیم نشدن در برابر خواسته های نامشروع آن ها در طول بیش از چهار دهه پس از انقلاب، به. ج. ا. ایران وجهه ای خاص در بین ملت های مسلمان و آزاده منطقه و حتی جهان بخشیده است. که بخش مهمی از نفوذ و قدرت نرم ج. ا. ایران به حساب می آید.

**4-تقابل تهاجمی آمریکا علیه ایران و استراتژی کلی جمهوری اسلامی در برابر آن**

پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و خروج ایران از حلقه امنیتی غرب در برابر کمونیسم جهانی و عدم سازگاری بنیادی و هویتی جمهوری اسلامی با ایدئولوژی غرب و در راس آن ایالات متحده، تقابل نهان و آشکار این کشور با ایران آغاز گردید. حادثه حمله به برج های دو قلو در آمریکا در یازده سپتامبر 2001 این فرصت را برای آمریکا ابجاد نمود تا به بهانه این حملات ضمن تهاجم به افغانستان و عراق، طرح خاورمیانه جدید را به پیش ببرد و در غرب آسیا به فکر باز طراحی ژئوپلتیک جدید به نفع هژمونی خود و هم پیمان استراتراتژیکش یعنی اسرائیل برآید. در ادامه همین موضوع بحران در سوریه را نیز دستمایه تکمیل پازل خود نمود تا نقشه های خود را در جهت تقویت و هژمونی خود، با در دست گرفتن شریان انرژی فسیلی جهان و نیز تثبیت برتری اسرائیل در منطقه عملی نماید.

اما به جرات می توان گفت کشوری که توانست با درایت بزرگترین فرمانده نظامی، سیاسی و اجتماعی خود همه نقشه ها و هزینه های سنگین ایالات متحده را نقش بر آب کند، جمهوری اسلامی ایران و سردار سپهبد "شهید حاج قاسم سلیمانی" بود.

به طوریکه در آغاز هزاره سوم و در اوج غرور و در هنگامه اشغال افغانستان و عراق، آمریکایی ها از واژه هایی همچون "هژمونی آمریکا"، "امپراطوری آمریکا" و "جهان آمریکایی" در مورد خودشان استفاده می کردند و دیگران نیز با همین اوصاف آمریکایی ها را خطاب قرار می دادند. اما پس از به شکست کشیده شدن طراحی های آنها در خاورمیانه و غرب آسیا توسط ایران و سردار سلیمانی با کمک مردم منطقه، پس از حدود 20 سال امروز، اندیشمندان از "افول قدرت آمریکا" و "جهان پسا آمریکایی" سخن به میان می آورند.

(ر.ک.به: باقری دولت آبادی، 2:1399).

اما چرا جمهوری اسلای ایران در برابر آمریکا قد علم کرد و نقشه های غربی ، عبری و عربی را به هم ریخت؟ جهت پاسخ به این سوال نیاز است در خصوص چرایی اتخاذ استراتژی "موازنه سخت منطقه ای" ایران، در برابر آمریکا مختصرا توضیحاتی ارائه گردد.

**4-1. استراتژی موازنه سخت منطقه ای ایران در برابر آمریکا**

برث هنسن بعنوان یکی از اندیشمندان نوواقع گرا و همکارانش از جمله واقع گرایانی هستند که با اصطلاحاتی که در درون نظریه نوواقع گرایی کنث والتز انجام دادند، اما از اصول بنیادین آن خارج نشدند، لیکن به نوعی می توان گفت رئالیسم ساختارگرا را روزآمد کرده اند، تا این نظریه بتواند پاسخگوی سوالات جدید باشد. به نظر هنسن و همکارانش به دلیل عدم انحصار در خصوص کاربرد مشروع قدرت در ساختار نظام بین الملل کاملا آنارشیک، این نظام مبتنی بر خودیاری است به گونه ای که هر دولتی عمدتا بر امنیت و بقای خویش پافشاری می کند (هنسن و همکاران، 18:1390).

در چنین اوضاعی هر کشوری که با یک قدرت تهدیدگر بالقوه و مهیب مواجه می شود، با یک انتخاب اساسی و راهبردی بین "دنباله روی" و یا "موازنه" مواجه می شود. موازنه و دنباله روی دو انتخاب سیاسی استراتژیک بسیار مهم هستند که هر یک راهبردهای جزئی تر را شامل "نرم" و "سخت" را در برمی گیرند.

(Salehiyan and Mirzaee,1399:55-56)

به اعتقاد هنسن و همکاران، ایدئولوژی یکی از مهم ترین مولفه هایی است که در تعیین راهبردهای موازنه و دنباله روی و نیز بهره گیری از انواع نرم و سخت نقش تعیین کننده ای می تواند داشته باشد به گونه ای که اگر فاصله ایدئولوژیک بین دو بازیگر (همانند ایران و آمریکا ) زیاد باشد هم احتمال منازعه افزایش می یابد و هم از بین راهبردهای اساسی دنباله روی و موازنه، انتخاب "موازنه" خواهد بود و هم از بین دو راهبرد نرم و سخت، "موازنه سخت" انتخاب خواهد شد.

(See, Salehiyan and Mirzaee,1399)

جدول زیر نوع تعامل بین امنیت و ایدئولوژی و چگونگی ایجاد انگیزه برای اتخاذ راهبردهای امنیتی متفاوت را نشان می دهد (هنسن و همکاران 32:1390).

حال با توجه به فاصله ایدئولوژیکی یکی زیاد بین ج.ا.ایران (اسلام سیاسی) و ایالات متحده (لیبرال دموکراسی) و تلاقی منافع این دو کشور در سطح منطقه و جهان، احتمال منازعه بین دو کشور بالا می باشد. لذا جمهوری اسلامی ایران قاعدتا می بایست به سمت موازنه سخت(در سطح منطقه) در برابر ایالات متحده حرکت می کرد یعنی اگر نمی توانست موازنه در سطح منطقه در مقابل آمریکا ایجا نماید یا باید به دنباله روی از این کشور رو بیاورد و خواسته های او را بپذیرد یا لاجرم مورد تهاجم نظامی این کشور قرار می گرفت.

موازنه هم مشتمل بر دو نوع "موازنه داخلی" یا درونی و "موازنه بیرونی" یا خارجی می باشد که ج.ا.ایران موفق شده است هر دو نوع موازنه را در سطح منطقه در مقابل آمریکا ایجاد نماید.

**4-1-1. موازنه درونی**

در موازنه درونی یا داخلی یک کشور سعی می کند با سیاست خوداتکایی به تقویت توان دفاعی –نظامی خود در داخل بپردازد (حاجی یوسفی، 267:1387) و خودیاری را به منطقه ظهور برساند.

در واقع موازنه داخلی به ابزارهای افزایش منابع قدرت در داخل می پردازد (کالاهان83:1378).

بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر مقدورات ملی خود به صورت یکجانبه در صدد افزایش قدرت و مقابله با تهدید بر آمده است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۸).

بر همین اساس ایران در بخش سامانه‌های موشکی بالستیک زمین به زمین با برد حدود ۲ هزار کیلومتر به پیشرفته ترین سلاح های دور برد هدایت شونده با دقت بالا با سامانه های متعدد مجهز شد. [انتشار تصاویر مربوط به انبوه این موشکها در شهر های زیرزمینی موشکی سیگنال مهمی در جهت باز دارندگی محسوب می شود] در بخش سلاح های پدافند هوایی نیز ج.ا.ایران به انواع سلاح های پیشرفته بومی و غیر بومی مجهز شده است. همچنین سامانه های موشکی ساحل به دریا، طول و عرض خلیج فارس و دریای عمان زیر پوشش سلاح های پیشرفته جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. هزاران قایق تندرو موشک انداز بخش دیگری از توان نظامی دفاعی داخلی و بومی ایران جهت مقابله با تهدیدات در سطح منطقه است. (ر.ک.به؛ افتخاری و باقری دولت آبادی، ۶۶:۱۳۸۸).

بنابراین دکترین دفاعی و نظامی ج.ا.ایران بر پایه توانایی پاسخگویی به همه منابع تهدید از جمله نیروهای فرا منطقه‌ای در پایگاه ها و مناطق دریایی پیرامون ایران، توان وارد نمودن ضربه دوم به رژیم صهیونیستی و سایر منابع تهدید از طریق بومی سازی انواع سلاح های پیشرفته، توانایی های داخلی به گونه ای ارتقاء یافته است که بتواند به موازنه قابل قبولی در سطح منطقه در برابر تهدیدات منطقه ای و فرا منطقه‌ای دست یابد.

**4-1-2. موازنه بیرونی**

موازنه بیرونی یا خارجی به دنبال اصلاح توزیع قدرت در بیرون از مرزهای کشور است. (کالاهان، ۸۴:۱۳۸۸).

در الگوی موازنه سازی برون گرا، ج.ا.ایران با اتخاذ راهبرد چند جانبه گرایی، دست به ائتلاف و اتحاد سازی زده و به موازنه سازی در مقابل آمریکا و متحدان منطقه‌ای اش پرداخته است. سیاست نگاه به شرق مبتنی بر نزدیکی به چین و روسیه، عضویت ناظر در پیمان شانگهای و توسعه روابط با برخی از کشورهای جهان سوم را می توان نمونه هایی از موازنه سازی نرم برون گرای ایران برای مقابله و خنثی سازی تهدیدات آمریکا و هم پیمانان منطقه ای او تلقی و تحلیل نمود. (دهقانی فیروزآبادی، ۴۸:۱۳۹۱).

اما مهمترین موازنه برونگرای سخت ج.ا.ایران در مقابل تهدیدات آمریکا و متحدانش، اتحاد و ائتلاف با بازیگران دوست شیعی خود در منطقه از جمله عراق، سوریه، حزب الله لبنان [و سایر گروه های همسو و بعضاً غیر شیعی] می باشد که با اتصال آن ها به یکدیگر و تشکیل محور مقاومت، باعث ایجاد موازنه سخت در برابر دشمنان در سطح منطقه شده است، (ر.ک.به : حاجی یوسفی، ۱۲۰:۱۳۸۹ و برزگر، ۱۴۳:۱۳۸۸) و بازدارندگی راهبردی را برای ج.ا.ایران به دنبال داشته است.

**.5 نقش بی بدیل سردار حاج قاسم سلیمانی در شکل گیری قدرت هوشمند ج.ا.ایران** همانگونه که بیان گردید آمریکا در صدد بود تا به بهانه حملات یازده سپتامبر به باز طراحی منطقه بسیار مهم موسوم به خاورمیانه و آسیای غربی بپردازد، بطوری که ضمن تسلط بر منابع عظیم انرژی فسیلی این منطقه، امنیت و هژمونی منطقه ای اسرائیل را نیز تضمین و تثبیت نماید. به همین خاطر بهترین طراحی، موزاییکی کردن کشورهای منطقه و زمینه سازی در جهت افزایش تنش های بی پایان ارضی، مرزی، قومی، مذهبی و نژادی از سوی این کشور بود، که استراتژی دقیق جمهوری اسلامی و به ویژه نقش بی مانند سردار سلیمانی، کلیه طراحی های محور غربی، عبری و عربی با صرف هزینه های بسیار سنگین با شکست مواجه گردید و خود آمریکایی ها از جمله دونالد ترامپ رئیس جمهور سابق آمریکا و سایر مقامات این کشور بارها به این شکست اعتراف کردند.

**5-1. شهید سلیمانی و قدرت سخت جمهوری اسلامی ایران**

حضور نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جهت کمک به مسلمانان و مردم تحت ستم منطقه و مقابله با قدرتهای استکباری و نیز در جهت اجرای استراتژی کلی نظام جمهوری اسلامی در مقابله و مبارزه با توسعه طلبی های بیگانگان و در مجموع دفاع از تمامیت ارضی و هویت ایرانی اسلامی، با صلابت و شجاعت، جلوه ای از توان بالای قدرت جمهوری اسلامی محسوب می شود، که شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی در واقع فرمانده قدرت و صلابت جمهوری اسلامی در سطح منطقه بودند که بیش از دو دهه به نوعی فرمانده و مجری سیاست های میدانی جمهوری اسلامی به حساب می آیند.

به اذعان دوست و دشمن، فرماندهی بی مانند سردار سلیمانی سبب ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی به عنوان یک بازیگر مهم منطقه ای گردید و با طراحی های بی نقص، موجبات بازدارندگی مناسب و تثبیت موازنه سخت ج.ا.ایران در برابر رقبای منطقه ای و فرامنطقه ای و در رأس آنها آمریکا و اسرائیل گردیدند.

شهید سلیمانی در دفاع از کشور و سایر کشورهای منطقه انواع جنگهای چریکی، قاره ای، دریایی، هوایی و شهری را تجربه کردند و در همه ی آنها به طور قاطع موفق بودند، به گونه ای که می توان شهید سلیمانی را چکیده ای از مکاتب مختلف جنگ در دنیا محسوب کرد که در همه ی آنها به طرز خارق العاده ای همواره پیروز بود و برای سال‌ها می توان در خصوص شیوه مبارزه و دلایل موفقیت ایشان، در بزرگترین و مهمترین آکادمی های جنگ دنیا به بحث نشست (احمدیان، ۱۴۰۰)، در همین راستا معاون نیروی عملیات ویژه آمریکا اذعان می‌کند؛ ژنرال سلیمانی برای ما محترم است، بخاطر ویژگی های نظامی و استراتژی ها و تاکتیک های جنگی اش. همچنین یکی دیگر از فرماندهان برجسته نظامی ایالات متحده اعتراف می کند که ما نمی توانیم بفهمیم که یک نظامی مثل ژنرال سلیمانی بدون تحصیلات تخصصی در دانشکده های برتر نظامی جهان چگونه مبتکر استراتژیها و تاکتیک های نظامی می باشد که برجسته ترین ژنرال های نظامی آمریکا را کاملا گیج و سردرگم می کند، به راستی که ایشان یک پدیده هستند، اگرچه دشمن آمریکاست، اما برای بسیاری از نظامیان ما به عنوان یک نظامی خارق العاده و حرفه ای قابل احترام است (موسویان، 1399 ).

همچنین نشریه معروف فارن پالیسی در معرفی چهره های برتر جهان در زمینه های مختلف، سردار سلیمانی را جزو ده متفکر بزرگ امنیتی و دفاعی جهان قرار دادند (ایسنا، 1397).

در مجموع می توان گفت طی سالهای اخیر در سرتاسر منطقه خاورمیانه و غرب آسیا حضور نیروی قدس سپاه پاسداران به فرماندهی سردار سلیمانی، حضوری موفق و تاثیرگذار بوده است که این امر ناشی از توان بالای فرماندهی نظامی ایشان و قدرت بالای جمهوری اسلامی می باشد که موفق شد ضمن جلوگیری از فروپاشی و اضمحلال کشورهای دوست، محور مقاومت را حفظ کند و سبب استحکام و ارتقای جایگاه آن گردد.

**5-2 شهید سلیمانی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران**

همانگونه که بیان گردید قدرت نرم شامل عوامل غیرمادی است که جذب کننده و دارای جاذبه است بطوری که بدون استفاده از منابع ملموس و مادی قدرت سخت، می تواند سبب نفوذ گردد. بنابراین قدرت نرم می تواند از ویژگی های فردی و شخصی افراد و توان سازماندهی و مدیریت و کلیه ارزشها و انگاره هایی که سبب مقبولیت و مشروعیت شود، را شامل گردد که به بدون اغراق می توان گفت، شهید سلیمانی منابع قدرت نرم را به طرز شگفت آوری تولید یا با خود به همراه داشتند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود.

**5-2-1 . ویژگیهای شخصی و شخصیتی سردار سلیمانی**

به گواه همرزمان و کلیه کسانی که به نوعی با شخصیت سردار سلیمانی آشنا بودند، ایشان به لحاظ شخصی و شخصیتی دارای جنبه های مختلف نبوغ، در بسیاری از زمینه های نظامی ، سیاسی ، اخلاقی ، عاطفی و غیره بودند. به طوری که در مجموع، شخصیتی جامع و چند وجهی در وجود ایشان تبلور یافته بود که همین امر باعث شده بود ایشان دارای یک شخصیت "کاریزما" برای همگان باشند و برهمین اساس کلیه کسانی که تحت فرماندهی ایشان بودند، اعم از نیروهای ایرانی و غیر ایرانی، محوریت و فرماندهی سردار سلیمانی را با جان و دل و از عمق وجود پذیرفته و به آن ایمان داشته و به آن افتخار می کردند.

**5-2-2 . تبلور فرهنگ ایرانیت و اسلامیت در وجود سردار سلیمانی**

رفتار و منش سردار سلیمانی به گونه ای بود که هم حاوی هوشمندی و نبوغ ایرانی و هم شجاعت و دلیری و مردانگی و صداقت خاص مردمان حوزه تمدنی ایران بود و هم حامل و متصف به ارزشهای اسلامی و در راس آنها شهادت طلبی و دفاع از مسلمانان و مظلومان اعم از مسلمان و غیر مسلمان و نیز ارادت بی حد و حصر ایشان به معصومین و ایمه علیهم السلام بود.

سردار سلیمانی هم ایران و جغرافیای آن را خیمه و ستون اصلی جبهه حق می دانست و معتقد بود نباید کوچکترین آسیبی به آن برسد و هم با افتخار خود را مدافع حرم اهل بیت علیهم السلام می دانست. ترکیب فرهنگ ایرانی - اسلامی و در مجموع خصوصیات جامع خاص ایشان به گونه ای بود که هم ایران و ایرانی و هم غیر ایرانی ها شامل مسلمانان از فرقه های مختلف و غیر مسلمانان به نوعی گمشده خود را در وجود ایشان می دیدند. هم به مردمان حوزه تمدن ایرانی به خصوص مردم افغانستان در قالب اتحاد شمال به فرماندهی احمد شاه مسعود سالها یاری رساند و هم مردم مسلمان شیعه و سنی و هم غیر مسلمانان از عراق و سوریه و لبنان و فلسطین و یمن و غیره سالها از توانایی ها و راهبردهای بسیار مهم ایشان بهره بردند. مجموع این رفتارها در سطح منطقه که به نوعی تبلور فرهنگ ایرانی و اسلامی در وجود ایشان بود، سبب تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی و جذب افکار عمومی منطقه به نفع ج.ا.ایران گردید.

**5-2-3 . دیپلماسی برجسته سردار سلیمانی**

سردار سلیمانی صرفا یک نظامی خشک و خشن نبود، بلکه انسانی بود که به مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی ، اقتصادی و غیره نیز توجه می کرد و غایت و هدف نهایی ایشان که برگرفته از فرهنگ ایرانی و اسلامی بود کمک به صلح و ثبات و دوستی بین ملتها و کل بشریت بود. بنابراین ایشان با رویکرد انسانی و اجتماعی به مساله جنگ و مبارزه نگاه می کردند و اگر روزنه ای پیدا می شد که از جنگ جلوگیری نماید حتما از آن استفاده می کرد. بر همین اساس ایشان با بسیاری از مسئولان و دولتمردان در سطح منطقه و حتی فرامنطقه دیدار و گفتگو می کرد.

جذبه شخصیتی و تسلط سردار سلیمانی بر آداب و فنون مذاکره سبب تاثیرگذاری فوق العاده ایشان در مذاکرات می شد. به گونه ای که از ایشان به عنوان یک دیپلمات برجسته و متبحر نیز یاد می شود. شاید بتوان گفت اوج دیپلماسی سردار سلیمانی را در متقاعد کردن ولادیمر پوتین رئیس جمهور روسیه در ورود ایشان به جنگ سوریه بود تا شاید مردم منطقه سریعتر از شر یک شجره خبیثه همچون داعش رهایی یابند. قطعا نوع مذاکره سردار سلیمانی و استدلالهای منطقی ایشان در ورود روسیه به نفع محور مقاومت در جنگ علیه داعش بسیار موثر بود.

**5-2-4 . نهاد سازی مردمی در سطح منطقه اوج قدرت نرم سردار سلیمانی**

شاید بتوان گفت اوج شاهکار فرماندهی سردار سلیمانی در حوزه قدرت نرم مربوط به شکل دهی و سازماندهی نهادهای مردم پایه در کشورهایی دانست که ناجوانمردانه توسط داعش با آن همه طراحی و پشتوانه ای که از سوی محور غربی عبری و عربی داشتند مورد هجوم واقع شدند. وقتی به فهرست سازماندهی های نیروی قدس سپاه پاسداران به فرماندهی سردار سلیمانی نگاه می کنیم به نیروهای بسیار محکم و مستحکمی از بسیج نیروهای مردم پایه می رسیم که همچون سدی مرصوص در برابر تجاوز بیگانگان برای بازطراحی منطقه ایستادگی کردند و همچون شجره ی طیبه ای چنان ریشه دوانده اند که می توانند برای همیشه نقشه های پلیدشان را نقش برآب نمایند. در راس همه تشکیلات در سطح منطقه حزب الله لبنان قرار دارد که یکی از خطوط مقدم در برابر رژیم صهیونیستی است. علاوه برآن حشدالشعبی عراق، انصارالله یمن، دفاع وطنی سوریه، فاطمیون و زینبیون افغانستان و پاکستان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین، مجموعه ای کم نظیر از گروه های شیعه و سنی در سطح منطقه هستند که نشان از قدرت بالای سازماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران و فرماندهی بی مانند حاج قاسم سلیمانی در سطح منطقه دارد. در این بین تسلیح حزب الله لبنان و بویژه حماس و جهاد اسلامی که در محاصره کامل زمینی، هوایی و دریایی رژیم صهیونیستی قرار دارند، از شاهکارهای سردار سلیمانی است که کلیه معادلات و محاسبات رژیم صهیونیستی و آمریکا را به طور کامل به هم ریخته است. این تشکیلات نماد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه هستند که هر کشوری حاضر است میلیارد ها دلار هزینه کند اما این مجموعه را در اختیار داشته باشد.

**6. سردار سلیمانی و ایجاد "قدرت هوشمند" جمهوری اسلامی ایران**

مطابق نظر اغلب اندیشمندان سیاست و روابط بین الملل در غرب آسیا و کل منطقه ای که اصطلاحا خاورمیانه گفته می شود، به علت ساختار داخلی کشورها انواع اختلافات ارضی، مرزی، قومی و نژادی بین کشورها و نیز دخالت قدرتهای فرامنطقه ای، کلیه ویژگی های دوره مدرن حاکم است. در چنین شرایطی که با مولفه های نظریه واقع گرایی بیشترین مطابقت را دارد، قدرت به ویژه قدرت نظامی، نقش بسیار تعیین کننده ای را بازی می کند. چرا که علاوه بر رقابت قدرتهای منطقه ای، به علت دخالت قدرتهای جهانی، در سطحی بالاتر نیز قدرت تعیین کننده ترین مولفه برای بقا و حفظ امنیت به شمار می رود. در کنار قدرت سخت مادی، که به طور سنتی مورد استفاده کشورها بوده است، امروزه قدرت نرم یا غیرمادی نیز به علت ایجاد مشروعیت و مقبولیت نقش بسیار تعیین کننده ای پیدا کرده است، که البته همه کشورها هم مولفه های "قدرت نرم" را ندارند، یا اگر هم معدودی از کشورها مولفه های قدرت نرم را دارند، توان بهره برداری از آن را ندارند. اما معدود کشورهایی که با داشتن مولفه های قدرت نرم توانایی بهره برداری از آنها را در کنار قدرت سخت دارند در راهبردی های خود موفق بوده اند. در واقع ترکیب مناسب قدرت سخت و قدرت نرم که قدرت هوشمند گفته می شود سبب ارتقا جایگاه کشورها خواهد شد.

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که از مولفه های قدرت نرم به نحو مطلوبی برخورددار است و در صورت استفاده مناسب از آن در کنار قدرت سخت می تواند به جایگاه بالاتری در سطح منطقه و حتی جهان دست یابد.

در سالهای اخیر که سردار سلیمانی فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران را در اختیار داشت موفق شد به علت ویژگی های شخصی و شخصیتی خود، توجه همزمان و توامان به ارزش ها و فرهنگ ایرانی – اسلامی، توان بالای سازماندهی هسته های مقاومت مردم پایه در سطح منطقه و متصل نمودن آنها به یکدیگر را به طرز خارق العاده ای، دیپلماسی مقاومت را با ترکیب قدرت سخت و قدرت نرم به پیش ببرد و امنیت مردم محور را در سطح منطقه گسترش دهد. اهمیت این کار زمانی بهتر مشخص می شود که بدانیم در مقابل جمهوری اسلامی و سردار سلیمانی، ابرقدرتی همانند آمریکا بوده است که با کمک رژیم صعیونیستی و برخی کشور ها منطقه بیش از هفت تریلیون دلار را هزینه کرده است تا ژئوپلتیک منطقه را آن گونه که می خواهند تغییر دهند. اما با قدرت هوشمند جمهوری اسلامی و با فرماندهی سردار حاج قاسم سلیمانی همه این هزینه ها با شکست مواجه گردید. در واقع می توان گفت سردار سلیمانی "نماد قدرت هوشمند" جمهوری اسلامی ایران بود که موفق شد ایالات متحده و متحدانش را با شکست مواجه نماید.

**8- نتیجه گیری**

همانگونه که اغلب اندیشمندان حوزه سیاست و روابط بین الملل اذعان دارند، منطقه موسوم به خاورمیانه و غرب آسیا، بیشترین انطباق را با دوره مدرن دارا می باشد؛ چرا که انواع مختلف نزاع ها و اختلافات، روابط دولتهای این منطقه را تحت تاثیر قرارداده است. بر همین اساس بازیگران این منطقه تلاش می کنند با مؤلفه های واقع گرایانه روابط خود را تنظیم نمایند. بنابراین اولویت نخست کشورها در این منطقه، بدون تردید، حفظ بقا و تامین امنیت فیزیکی و جلوگیری از اضمحلال احتمالی است.

در کشاکش رقابت های سخت منطقه ای، اما جمهوری اسلامی ایران، به علت تقابل بنیادین و ایدئولوژیکی با نظم مستقر غربی و در رأس آن ایالات متحده، مورد تقابل و تهاجم نظم مستقر و بویژه آمریکا قرار داشته است و در یک رویکرد تهاجمی از سوی آمریکا و متحدان عبری و عربی منطقه ای اش، مجبور به انتخاب استراتژیک بین دو راهبرد «دنباله روی» یا «موازنه» قرارگرفت. هزینه دنباله روی چیزی کمتر از دست کشیدن از کلیه آرمانها و اهداف انقلاب اسلامی و در واقع فروپاشی هویت ایرانی- اسلامی و عدول از کلیه ارزشها و آرمانها و انگاره های جمهوری اسلامی نبوده است.

اما جمهوری اسلامی، راهبرد موازنه منطقه ای را در برابر دشمنان و مخالفان اتخاذ نمود که با توجه به فاصله ایدئولوژیکی طولانی با آمریکا «موازنه سخت منطقه ای» انتخاب نهایی ایران در برابر این کشور و سایر هم پیمانانش بود.

در این بین یازده سپتامبر فرصتی تاریخی را در اختیار ایالات متحده قرار داد تا با استفاده از قدرت نظامی به اشغال برخی کشورهای منطقه پرداخته و تغییرات نهایی مد نظر خود را به گونه ای که هم شریان انرژی فسیلی را در اختیار بگیرد و هم امنیت اسرائیل را تضمین نماید، ایجاد نماید. لکن اتخاذ استراتژی موازنه سخت جمهوری اسلامی ضروری می ساخت که در برابر آمریکا و متحدانش، موازنه درونی و موازنه بیرونی را توأمان بوجود آورد، لذا این کار در مقابل دشمن مهیب و ابرقدرتی چون آمریکا قابل انجام نبود، مگر یک تدبیر و درایت فوق العاده که بتواند پتانسیل های قدرت سخت و نرم جمهوری اسلامی را فعال نماید، بنابراین لازم بود تا با شناسایی ابعاد مختلف قدرت نرم ایران در سطح منطقه، دو بعد ایرانیت و اسلامیت، به گونه ای با فرهنگ و ارزش های مردم منطقه پیوند بخورد که حضور قدرت سخت منطقه ای ایران را میسور گرداند و حساسیت ها را نیز بر نیانگیزاند.

اتخاذ این راهبرد از سوی تصمیم گیران جمهوری اسلامی و در رأس آنها رهبر انقلاب یک مسأله بود، اما اجرایی کردن آن در سطح منطقه ی پر تلاتم خاورمیانه و غرب آسیا، یک مسئله مهمتر، که یک فرمانده زبده و با تدبیر و شجاع میدانی را می طلبید.

از زمانی که سردار حاج قاسم سلیمانی به فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب گردیدند، مأموریت یافت تا این مهم را به سرانجام رساند و کلیه طرح ها و نقشه های آمریکا و اسرائیل برای منطقه را تشخیص و به بهترین نحو خنثی و با شکست مواجه سازد.

سردار حاج قاسم سلیمانی به واسطه ویژگی های شخصی و شخصیتی، داشتن ذهنیتی راهبردی، تدبیر و درایت فوق العاده و شجاعت و رشادت، ارزشها و فرهنگ اصیل ایرانی – اسلامی را با مردم منطقه پیوند زد و با نهاد سازی های مردم پایه در کشورهای محور مقاومت، قدرت سخت و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در سطح منطقه متبلور ساخت و همین امر باعث شد با کمک مردم منطقه میلیاردها دلار هزینه استکبار در منطقه را با شکست مواجه سازد و ابر قدرتی همانند ایالات متحده و هم پیمانان منطقه اش را در جلوی چشم جهانیان به اعتراف به شکست وادار نماید. بنابراین در پایان، به جرأت می توان؛ **سردار سلیمانی نماد قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران** در سطح منطقه و حتی فرا منطقه ای نامید.

**منابع**

**الف)فارسی**

1- باقری دولت آبادی، علی، (1399) ، نقش شهید سلیمانی در طراحی هندسه قدرت ایران و بر هم زدن محاسبات آمریکا در غرب آسیا (2001-2020) } ، دومین همایش بین المللی گام دوم انقلاب: مکتب شهید سلیمانی الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن ساز.

2- هنسن و همکاران، (1390) ، راهبردهای امنیتی و نظم جهانی آمریکایی، "قدرت از دست رفته"، ترجمه سید امیر نیاکویی و احمد جانسیز ، انتشارات دانشگاه گیلان.

3- کالاهان، پاتریک، (1387) ، منطق سیاست خارجی آمریکا، نظریه های نقش جهانی آمریکا، مترجمان: داود غرایاق زندی و محمود یزدان فام و نادر پور آخوندی، پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.

4- حاجی یوسفی، امیرمحمد، (1389) ، "ریشه های سیاست خارجی تعاملی- تقابلی ایران در دوره ی ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد " ، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، شماره 22، تابستان.

5- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (1391) ، "نوواقع گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران" ، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره 1، بهار.

6-افتخاری قاسم و باقری دولت آبادی علی (1388)، " سیر استراتژی نظامی در ایران و ابهامات پیرامون آن" فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران دوره 39 شماره 3 پاییز.

7-برزگر کیهان (1388)،" سیاست خارجی ایران از منظر ریالیسم تهاجمی و تدافعی"، فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال اول، شماره.1

8-جانسیر احمد و صالحیان، تاج الدین، (1395)، "نگاه نو به رقابت ایران و ترکیه در کسب قدرت منطقه ای"، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره نوزدهم، بهار.

9-دهقانی فیروز آبادی، سید جلال، (1394)، اصول و مبانی روابط بین الملل (1) تهران، انتشارات سمت.

10-نای، جوزف، (1390)، "آینده قدرت نرم در سیاست خارجی ایالات متحده"، در: قدرت نرم و سیاست خارجی ایالات متحده اثر ایندرجیت، پارما، مایکل کاکس، ترجمه: علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

11-نای، جوزف، (1392)، "قدرت نرم، قدرت سخت و رهبری"، در: نای، پاپ و دیگران، قدرت و موازنه نرم در سیاست بین الملل، ترجمه عسگر قهرمانپور، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

12- نای، جوزف، (1393)، آینده قدرت، ترجمه محمد حیدری و آرش فرزاد، تهران فرزان روز.

13-وحیدی، موسی الرضا، (1390)، "فراتکنولوژی و تحول مفهوم قدرت در روابط بین الملل"، در: حمیرا مشیرزاده و نبی الله ابراهیمی، تحول مفاهیم روابط بین الملل، انتشارات 1390چاپ دوم.

14-ظریف، محمد جواد و همکاران، (1395)، دوران گذار روابط بین الملل در جهان پسا غربی، مرکز آموزش و پژوهش بین المللی.

15قنبرلو، عبدالله، (1390)، اقتصاد سیاسی و مداخله گرایی در سیاست خارجی آمریکا، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

16-داداندیش، پروین و احدی، افسانه، (1390)، "جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه روابط خارجی، (1).3.

17-احمدیان، قدرت،(1400)، سخنرانی در پیش نشست پنجم همایش بین المللی شهید سلیمانی در چشم انداز بین المللی، یکشنبه مورخ 7/6/1400.

18-موسویان، سیدحسین،(1399)، خبرگزاری دانشجویان ایران"ایسنا"،شنبه 13 دیماه، کدخبر99101308985، قابل دسترسی در:

<https://www.isna.ir/news>.

19-خبرگزاری دانشجویان ایران"ایسنا"، دوشنبه 13 اسفندماه، کدخبر 97121306609، قابل دسترسی در:

<https://www.isna.ir/news>

**ب)انگلیسی**:

1. Schmide, Brain, (2005),” competing Realist conceptions of power” Millennium.

2.Nye, joseph, (2011), the future of power, New York: public Affairs.

3. Geldenhuys, D (2008), the Idea-driven foreign policy of a regional power, the case of south Africa. Available at: [www.giga-hamburg.de](http://www.giga-hamburg.de). Accessed on (2008, June 21).

4. Beek, M (2006), the concept of regional power. The Middle east as a Deviant case. GIGA, working paper NO.29, Hamburg: Available at: <http://www.giga-hamburge.de>.

5.sharp, P. (2005). Revolutionary states, outlaw Regimes and the techniques of public Diplomacy. In the new public Diplomacy soft power in International Relations, J. Meissen Hampshire: Palgrave.

6. Salehiyan ,Tajedin and Mirzaei, Vali,(2021)”Investigating the Balance of power between Iran and the United states after the Islamic Revolution”, Journal of contemporary Research on Islamic Revolution,Vol.3.NO.(7).winter..n(2008),june 21)hamburg.de. dea-driven foreign policy of a regional power,the case of sout Africa